



تأثیر قاچاق بر از خودبیگانگی
از هنجارهای دینی و ملی

زینب محمودآبادی*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

امروزه قاچاق یکی از مسائل اصلی کشور محسوب می‌شود. به طوری که آثار قاچاق نه تنها در بعد اقتصادی آسیب‌های جدی به جامعه وارد می‌کند، بلکه آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی جبران‌ناپذیری نیز در پی دارد. یکی از پیامدهای مخرب قاچاق، ایجاد از خودبیگانگی از هنجارهای دینی و ملی است. در این مقاله به بررسی و «تاثیر قاچاق بر از خودبیگانگی از هنجارهای دینی و ملی» به روش اسنادی پرداخته شده است. بدین منظور، هنجارهای دینی و ملی به عنوان شاکله هویت ایرانی اسلامی در نظر گرفته شده و در این راستا، پنج بعد هویت ایرانی اسلامی شامل ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دینی و سیاسی، تعریف و شاخص‌سازی شده است و سپس آسیب‌های قاچاق به تفکیک این پنج بعد بر روی هویت ایرانی اسلامی و هنجارهای دینی و ملی تشریح و تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی: قاچاق، هنجارهای دینی و ملی، هویت ایرانی اسلامی.

مقدمه

در حال حاضر قاچاق، از جمله مشکلات کشور به شمار می‌رود. ابعاد گوناگون این پدیده و فراگیری تاثیرات آن ایجاب نموده که برای برخورد با آن امکانات ملی بسیج شود (بیابانی سرهنگ، ۱۳۹۰)، البته قاچاق یک معضل بین‌المللی است، اما وضعیت خاص کشور در زمینه‌های جغرافیایی، اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی منجر به آسیب‌پذیری فراوان در این حیطه شده است. از سوی دیگر جوانی جمعیت، رشد نرخ بیکاری جوانان و محرومیت‌ها و محدودیت‌های طبیعی موجود در مرزهای کشور، ایران را مستعد قاچاق کالا نموده است. لذا برای مقابله با این آسیب، بخش عمده‌ای از توان مادی و معنوی کشور، صرف مقابله با قاچاق می‌شود. اهمیت مبارزه با این موضوع از این جهت است که قاچاق بر جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاست کشور اثرات سو گذاشته و به معضلی تبدیل گردیده که نیازمند توجه و شناسایی کامل و همه‌جانبه است (یاروی بافقی، ۱۳۸۹). اما باید توجه نمود که چالش‌ها و چشم‌اندازهای حوزه قاچاق کالا فراوان بوده و حل مسائل و مشکلات این حوزه به راحتی امکان‌پذیر نمی‌باشد. عدم توجه به نقش تعیین‌کننده شاخص‌های کلان اقتصادی در کنترل جرایم اقتصادی، نبود عزم جدی در برخورد با اینگونه جرایم، تعدد سازمان‌های مسئول، نبود قانونی جامع و فراگیر، وجود قوانین گمرکی قدیمی و غیرقابل تطبیق با اقتصاد جهانی، وجود رانت‌های مختلف سیاسی و اطلاعاتی و ... از جمله مهم‌ترین چالش‌های این حوزه می‌باشد (لشنی پارسا، ۱۳۸۷).

اما صرف‌نظر از علل قاچاق، قاچاق پیامدهای بسیار مخربی نیز برای جامعه دارد، در رابطه با پیامدهای قاچاق، معمولاً بر ابعاد اقتصادی تأکید می‌شود. اما این تصور اشتباهی است که فرض شود مسئله و مشکل قاچاق صرفاً بر ابعاد اقتصادی جامعه تأثیر مخرب می‌گذارد و قربانیان قاچاق فقط مربوط به عواملان قاچاق است، و آسیب‌های آن تنها خود قربانیان را متاثر می‌سازد. زیرا افزایش قاچاق در یک جامعه برابر با افزایش فساد، ناتوانی و غیرمولد بودن عده‌ای از افراد جامعه است که به دیگر بخش‌ها نیز آسیب می‌رساند و در نتیجه آن افزایش ناامنی، ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی متعددی به بار خواهد آمد. زیرا در یک جامعه خرده‌سیستم‌های متعدد در

کنار یکدیگر کار می‌کنند و یک نوع وابستگی متقابل بین این خرده سیستم‌های جامعه وجود دارد، لذا اختلال و کژکارکرد در هریک از این خرده سیستم‌ها، دیگر خرده سیستم‌های جامعه را نیز دچار آسیب می‌کند (فروغی، ۱۳۹۰). لذا در این مقاله تاثیر قاچاق بر ارزش‌های ملی و دینی بررسی خواهد شد.

تعریف مفاهیم

قاچاق کالا

در رابطه با چیستی قاچاق کالا، رویکردهای متفاوتی وجود دارد. اما در کل می‌توان گفت که قاچاق کالا ورود یا خروج پنهانی و غیرقانونی کالا از مبادی رسمی و غیررسمی بدون پرداخت عوارض و حقوق گمرکی است. شهرها و مناطق مرزی به خاطر موقعیت خاص جغرافیایی مهمترین مبادی ورود و خروج کالای قاچاق محسوب می‌شوند (مستجابی سرهنگی، ۱۳۹۳).

سازمان جهانی گمرک، تعریف زیر را در این زمینه ارائه کرده است: قاچاق، تخلف گمرکی شامل جابه‌جایی کالا در طول یک مرز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی است (قلی‌زاده، ۱۳۹۰). البته لازم به ذکر است که قاچاق از نظر ماهوی به دو شکل انجام می‌گیرد: از یک سو ممکن است عوامل تجاری غیرقانونی، کالایی را به صورت غیررسمی و مخفیانه بدون پرداخت حقوق گمرکی و رعایت ضوابط تجاری وارد کشور کرده و یا از آن خارج نمایند و از سوی دیگر عوامل تجاری قانونی، فعالیت تجاری قانونی خود را به عنوان پوششی برای انجام اعمال متقلبانه در تجارت، مانند دستکاری در اسناد تجاری قرار دهند که به این حالت شبه قاچاق گفته می‌شود (پژوهان، ۱۳۸۵).

انواع قاچاق

یکی از راه‌های شناخت انواع قاچاق، صورت‌بندی آن در قوانین کیفری است. در این قوانین، جرایم قاچاق به دو دسته عمده تقسیم شده است: اول، قاچاق اموال موضوع عایدات دولت و دوم، قاچاق اشیای ممنوع‌الصدور و ممنوع‌الورود. در یک تقسیم‌بندی دیگر، قاچاق ارز و کالا

را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: اول، قاچاق اشیایی که واردات و صادرات یا هرگونه معامله آن به طور کلی ممنوع است. دوم، قاچاق اشیایی که واردات و صادرات و یا توزیع آن در انحصار دولت است. سوم، قاچاق اشیایی که واردات و صادرات یا معاملات و توزیع یا عرضه آن با مجوز خاص دولت امکان‌پذیر است. چهارم، قاچاق اشیایی که واردات و صادرات یا معاملات راجع به آن با پرداخت حقوق و عوارض دولتی و از مجاری قانونی مجاز است. اینکه چه کالایی مشمول هر یک از اقسام چهارگانه بالا باشد، به میزان اهمیت و ارتباط آن به سیاست‌های اقتصادی دولت یا به هنجارها و ارزش‌های اعتقادی و مصالح عامه کشور بستگی دارد (بیابانی سرهنگ، ۱۳۹۰)

در یک تقسیم‌بندی دیگر از منظر نوع کالا، انواع قاچاق کالا در ایران را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود: (لشنی پارسا، ۱۳۸۷)

- قاچاق کالای گمرکی
- قاچاق کالای دخانی
- قاچاق ارز، طلا، نقره و مسکوکات
- قاچاق فرآورده‌ها (شیلاتی، جنگلی، نفتی)
- قاچاق اموال تاریخی فرهنگی
- قاچاق اسلحه و مهمات، وارد کردن و یا صادر کردن اسلحه به مملکت، خرید و فروش و یا حمل و نقل و یا مخفی کردن و یا نگاه داشتن آن
- قاچاق پرندگان شکاری و وحوش کمیاب
- قاچاق انشان و اعضای بدن، هرگونه انتقال غیرقانونی یا مبادله انسان برای منافع اقتصادی یا شخصی
- قاچاق دارو
- قاچاق ابزار و ادوات غیر اخلاقی
- قاچاق محصولات کشاورزی و دامی

تعریف هنجارهای دینی و ملی، شاکله اصلی هویت ایرانی اسلامی

جهت سنجش تاثیر قاچاق بر ازخودبیگانگی از ارزش‌های دینی و ملی، ابتدا به صورت‌بندی هنجارهای دینی و ملی پرداخته شده است. بدین منظور صورت‌بندی نظری هنجارهای دینی ملی، هویت ایرانی اسلامی به عنوان نتیجه التزام به هنجارهای دینی و ملی مد نظر قرار گرفته است. زیرا هنجارهای دینی و ملی، شاکله هویت ایرانی - اسلامی هستند، در واقع هویت ایرانی - اسلامی، نوعی از شناخت، شیوه زندگی و نحوه تفکر افراد در خصوص ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات، باورها و نگرش‌ها و ... بر مبنای مولفه‌ها و ابعاد ایرانی و مبتنی با موازین اسلامی است (قیومی، ۱۳۹۱). بر این مبنا هویت اسلامی - ایرانی را می‌توان چنین تبیین کرد: هویت اسلامی - ایرانی، برآیندی است که از شناخت آموزه‌های اسلامی - ایرانی، درونی کردن آن‌ها و نیز پایبندی عملی به آموزه‌های مذکور، برای افراد حاصل می‌شود. این آموزه‌ها در فرایند تطبیق عملی فرهنگ گذشته ایران با مبانی اسلامی و با معیار قرار دادن اسلام در این فرایند، به دست می‌آید (سبحانی‌نژاد، ۱۳۹۲).

هویت ایرانی - اسلامی دارای شاخص‌ها و مولفه‌هایی است که با وقوف بر آن‌ها می‌توان به ابعاد آن پی برد. از جمله شاخص‌های مهم و بنیادی این هویت می‌توان به شاخص‌های اعتقادی، رفتاری، سیاسی، تاریخی و فرهنگی اشاره کرد (میرحیدری، ۱۳۹۳). در جدول شماره یک، ابعاد دینی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و شاخص‌های آنها به تفکیک تشریح شده است:

جدول ۱. ابعاد هویت ایرانی - اسلامی (سبحانی‌نژاد، ۱۳۹۲)	
بعد دینی	تلاش برای یادگیری جوانب مختلف اسلام (جوانب اعتقادی، احکام و اخلاق) باور درونی به دین اسلام پایبندی جامع و عملی به بایدها و نبایدهای دین اسلام
بعد اقتصادی	پایبندی جامع و عملی به اخلاق اقتصادی جامعه اسلامی ایران (اعم از قناعت، عدم اسراف، قرض الحسنه و ...) و بایدها و نبایدهای اقتصادی جامعه اسلامی ایران (اعم از عدم کم فروشی، عدم رباخواری، عدم احتکار، عدم رشوه دهی و رشوه گیری، پرداخت خمس و زکات و ...)

تلاش در جهت رشد و توسعه نظام اقتصادی جامعه اسلامی ایران	
<p>درک ضرورت وجودی جامعه اسلامی ایران.</p> <p>تمایل به پرداخت هزینه‌های تداوم جامعه اسلامی ایران (مانند: همراهی و حمایت از سیاست‌های نظام در زمان تحریم‌های اقتصادی، پرداخت مالیات و ...)</p> <p>تعهد عملی به جامعه اسلامی ایران، مانند افتخار به ایرانی بودن</p> <p>مشارکت فعال در فعالیت‌های اجتماعی جامعه اسلامی ایران.</p> <p>تلاش برای حفظ و وحدت جامعه اسلامی ایران</p>	بعد اجتماعی
<p>آگاهی از آداب و رسوم مطلوب جامعه اسلامی ایران و پایبندی به آن (احترام به بزرگ‌ترها، مهمان نوازی و ...).</p> <p>آشنایی با هنرهای جامعه اسلامی ایران.</p> <p>آگاهی از مهم‌ترین حوادث و شخصیت‌های تاریخی ایران و اسلام و بازدید از آثار تاریخی و موزه‌های تاریخی</p>	بعد فرهنگی
<p>مرجع دانستن نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی جامعه اسلامی ایران</p> <p>درک ضرورت وجودی رهبری در جامعه اسلامی ایران (ولایت فقیه)</p> <p>دارا بودن بینش و بصیرت سیاسی (مانند درک شرایط سیاسی و خارجی و ...)</p> <p>اعتقاد به مردم سالاری دینی</p> <p>آمادگی برای دفاع از جامعه اسلامی ایران در هر زمان و تحت هر شرایط</p> <p>جدا ندانستن سیاست از دین (باور به گسترده بودن آموزه‌های دین در زمینه‌های مختلف از جمله سیاست. همچنین، اعتقاد به اینکه سیاست، بستر مهم تحقق احکام دین است)</p> <p>مشارکت در فعالیت‌های سیاسی جامعه اسلامی ایران از جمله شرکت آگاهانه در انتخابات.</p> <p>پایبندی به قوانین سیاسی جامعه اسلامی ایران (مانند رعایت قوانین، انتخابات، تظاهرات یا راه‌پیمایی‌ها، حضور در مجلس و ...)</p>	بعد سیاسی

در ادامه تاثیر قاچاق به تفکیک بر ابعاد دینی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ارزش‌های و هنجاری ایرانی اسلامی بررسی خواهد شد.

۱. تاثیر قاچاق بر از خود بیگانگی از بعد اجتماعی هویت ایرانی اسلامی

یکی از پیامدهای قاچاق، از خودبیگانگی از هنجاری اجتماعی ایرانی — اسلامی است. این هنجارها در بعد اجتماعی بر مشارکت، تعهد، وحدت و تلاش در راستای حفاظت از نظام اسلامی تاکید دارند، در صورتی که قاچاق با پیامدهایی نظیر ۱. گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی، ۲. مصرف‌گرایی، ۳. بیگانگی، ۴. کاهش ارزش‌گرایی، ۵. تمایل به قانون‌گریزی، ۶. هدر رفتن سرمایه‌های اجتماعی، ۷. تضعیف مقبولیت، ۸. کاهش مشروعیت، ۹. افزایش بی‌نظمی اجتماعی، ۱۰. کاهش امنیت اجتماعی (حیدری‌فر، ۱۳۹۳)، منجر به از خودبیگانگی از بعد اجتماعی هویت ایرانی اسلامی می‌شود. در ادامه برخی از این آسیب‌ها به تفکیک انواع قاچاق تشریح می‌شوند:

آسیب به نهاد خانواده: بدیهی است که محیط خانواده مهمترین عامل در تکوین و تحول شخصیت فرزندان یعنی نسل فردای جامعه به شمار می‌آید. اگر محیط خانواده سالم و مبتنی بر اصول اخلاقی باشد در کودک اعتماد به نفس، پذیرش مسئولیت، همسازی، انطباق و بالاخره شخصیت سالم و متعادل به وجود می‌آید. بر عکس در خانواده ناسالم و متکی بر ضد اخلاقیات، رشد کودک ناسالم شده و او را آماده بزهکاری می‌سازد. اما قاچاق انواع ابزار تهاجم فرهنگی و مواد مخدر موجب کجروی‌ها و پریشانی‌های بسیاری در کانون خانواده که کوچکترین هسته و به روایتی مهمترین رکن جامعه می‌باشد، به وجود می‌آورد. (لشنی پارسا، ۱۳۸۷)

در این راستا می‌توان گفت که از جمله مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از قاچاق به‌خصوص قاچاق انسان، فروپاشی و اضمحلال نهاد خانواده است. پدیده قاچاق عموماً ساختار خانواده را شکننده می‌سازد و افراد قربانی قاچاق پیوندهای خود با دیگر اعضای خانواده را از دست می‌دهند و احتمال اینکه دوباره به آغوش خانواده برگردند و شخصیت خود را در آن بازسازی کنند بسیار اندک است. زیرا حتی بازگشت به خانواده، آنان با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهند شد. بر اساس گزارش یونیسف بسیاری از زنانی که به خانه باز می‌گردند، دوباره به دام قاچاقیان انسان می‌افتند. همه آنان با احساس شرم و عدم اطمینان به آینده، دست و پنجه نرم می‌کنند (رمضان نرگسی، ۱۳۸۲).

آسیب‌های بهداشتی: قربانیان قاچاق انسان، معمولاً در یک وضعیت بهداشتی ناسالم به سر

می‌برند و حاملین بسیاری از بیماری‌ها می‌شوند. پدیده قاچاق انسان علاوه بر اینکه یک موضوع حقوق بشر محسوب می‌شود، به دلیل ابتلای گسترده بسیاری از قربانیان قاچاق به ویروس اچ.آی.وی و دیگر بیماری‌های مقاربتی تبدیل به یک نگرانی عمومی برای سلامت جامعه شده است. علاوه بر ایدز، قربانیان حامل انواع بیماری‌ها و نارسایی‌های بهداشتی و روانی هستند. زیرا معمولاً هیچ کس متولی رسیدگی به چنین مشکلاتی در آنان نیست و چون آنان به بسیاری از شیوه‌های سرایت و انتقال بیماری‌ها آگاهی کافی ندارند این بیماری‌ها به دیگر افراد جامعه سرایت خواهد کرد (فروغی، ۱۳۹۰)

ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی: ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی یکی از آسیب‌های جدی قاچاق است. عناصر مصرف و هویت ایرانی-اسلامی هیچ‌سختی با تجمل‌پرستی و زیاده‌طلبی مصرف‌گرایی ندارند. در اسلام کسب ثروت وسیله‌ای برای تحقق مراتب حیات طیبه و ایجاد زمینه سعادت دنیوی و اخروی خود و دیگران است و از نظر اسلام نباید کسب ثروت را به عنوان یک هدف دنبال کرد. اما قاچاق با ترویج مصرف‌گرایی از طریق سوق افراد به سوی مصرف‌گرایی، باعث تضعیف گرایش حق‌طلبی، کاهش مشارکت‌طلبی و کم‌رنگ شدن نوع دوستی و قناعت می‌شود، و پرورش هویت ایرانی-اسلامی را با چالشی بزرگ مواجه می‌کند (محمدی، ۱۳۹۴). تحقیقات تجربی نیز دال بر این موضوع هستند و نتایج مطالعات نشان می‌دهد که افراد در ایران سعی دارند تا از طریق خرید کالاهای لوکس تجاری، با نشان دادن توان خرید خود، دیگران را تحت تأثیر قرار دهند. از میان این کالاهای تجاری که در ایران با استقبال زیادی مواجه شده می‌توان به وسائل منزل گران قیمت، ماشین‌های گران قیمت، گوشی‌های تلفن گران قیمت و مدل‌های پوشاک و کفش خارجی اشاره کرد. نمود این گرایش به مصرف کالاهای خارجی را می‌توان در افزایش واردات کالا (به عنوان یکی از نمودهای مصرف‌گرایی) در سال‌های اخیر مشاهده کرد. به گزارش سایت خبری تابناک، میزان واردات از سال ۱۳۷۲ از رقم ۱۱ میلیارد دلار تا سال ۱۳۹۰ به رقم ۵۷ میلیارد دلار رسیده است. در این مدت افزایش جمعیت ایران حدود ۲۵ درصد بوده است ولی افزایش واردات حدود ۲۸۰ درصد بوده است. البته اگر مصرف

کالاهای داخلی و کالاهایی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند را به این رقم اضافه کنیم، افزایش مصرف خیلی بیشتر خواهد بود (محمدی، ۱۳۹۴)

افزایش فقر: فقر حاصل رکورد شدید درآمد ملی، توزیع ناعادلانه درآمد سرانه، کاهش سرمایه‌گذاری، گسترش حجم نقدینگی، کاهش تولید و بیکاری است. فقر می‌تواند هم علت و هم معلول قاچاق باشد، این اثر ثانویه بلافاصله پس از شکست تولید و کاهش اشتغال و درآمد عارض می‌شود. یعنی با افزایش قاچاق کالا، فقر در جامعه از آنچه وجود دارد بیشتر می‌شود، زیرا قاچاق سرمایه‌گذاری مولد را از هدف اصلی خود منحرف کرده، تولیدات و درآمد ملی را کاهش می‌دهد و به مرور فقر را عارض می‌کند. با افزایش فقر، فساد اجتماعی بیشتر شده و در صورت تداوم و تشدید آن، بحران‌های اجتماعی بروز می‌کند (وطن‌پور، ۱۳۸۷).

در واقع با توجه به این که تلاش برای برون‌رفت از فقر، از توصیه‌های فرهنگ اسلامی است، یکی از پیامدهای آسیب‌زای قاچاق کالا تشدید فقر است. زیرا قاچاق، شرایط توزیع درآمدها و ثروت‌های اجتماعی را به هم می‌ریزد و مقدمات اقتصادی دولت را که می‌توانست از طریق هزینه‌های عمومی و اعطای یارانه و دیگر حمایت‌های اجتماعی به طبقه محروم کمک کند، کاهش می‌دهد. هم‌چنین رسیدن عوامل قاچاق به ثروت‌های هنگفت، روند فقیرتر شدن طبقات پایین جامعه را سرعت می‌بخشد، چرا که با افزایش تقاضای کاذب و فشارهای تورمی، سطح رفاه اجتماعی پایین آمده، طبقات فقیر در تنگناهای بیشتری قرار می‌گیرند و فاصله آن‌ها با طبقات غنی بیشتر می‌شود (وطن‌پور، ۱۳۸۷).

بی‌اعتمادی شهروندان نسبت به کالای تولید داخل: یکی دیگر از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی گسترش قاچاق، بی‌اعتمادی شهروندان نسبت به کالایی است که در داخل کشور تولید می‌شود. اگرچه ممکن است شهروندان نسبت به نظام سیاسی اعتماد داشته باشند، لیکن نسبت به کالایی که کشور مزبور تولید می‌کند اعتماد ندارند. به عبارت دیگر کالای تولید شده در داخل، نتوانسته است اعتماد شهروندان آن را جلب نماید. لذا شهروندان به مصرف کالای خارجی گرایش پیدا خواهند کرد. در واقع وابستگی مستقیم و غیرمستقیم بازار مصرف به خارج از نظر

الگوهای مصرفی، فرهنگ و ابستگی در بین شهروندان را شکل می‌دهد و این مسئله منشا بسیاری از کشش‌ها و واکنش‌های اجتماعی — سیاسی جامعه شده و مستقیماً اثرات منفی بر تولید و بر سیاست‌گذاری اقتصادی دارد (رومینا، ۱۳۹۳).

تضعیف فرهنگ کار

شغل مهم‌ترین بعد زندگی اجتماعی است. افراد از کار و عمل‌شان بیشتر متأثرند تا فکر و نظرشان. چرا که بیشتر اوقاتشان را در محیط کار و با همکاران می‌گذرانند و بنابراین قواعد و ناهنجاری‌های زندگی‌شان را از چنین محیطی اخذ می‌کنند. لذا اگر قاچاق کالا، کسب ثروت به راحتی و در حجم زیاد صورت می‌گیرد روحیه کار و فرهنگ تلاش در جامعه سست شده و افراد به جای کسب درآمد از راه صحیح و شرعی به راه قاچاق رفته تا در مدت کوتاهی بتواند ثروت زیادی به دست آورند. افراد تنها به دنبال سود بیشتر حاضرند به راحتی به حقوق دیگران تجاوز نمایند. هرچند آنها دارای ذهن کم و بیش اقتصادی هستند لکن ذهن اقتصادی آنها منحرف است و طالب یک سود سریع، بدون دردسر و انتظار کشیدن می‌باشند (لشنی پارسا، ۱۳۸۷) که این امر با آموزه‌های اسلامی در رابطه با فرهنگ کار در تضاد شدید است و باعث تضعیف هنجارهای دینی در این زمینه می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

تضعیف بعد اجتماعی امنیت ملی

«بنا به نظر ولفرز (۱۹۶۲)، امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از جمله علیه ارزش‌ها را معین می‌نماید. در واقع، امنیت یعنی رفع خطر و رفع خطر به معنای استفاده بهینه فرصت‌ها است. بنابراین، می‌توان گفت که امنیت دارای دو عنصر تهدید و فرصت است و برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری از فرصت‌هاست (خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۲۸). به این ترتیب،

امنیت شامل دو وجه است: در وجهی تحقق امنیت در گرو نبود خطرات و در وجه دیگر، کسب فرصت‌ها و تضمین منافع و ارزش‌هاست» (رستم‌گورانی، ۱۳۹۲).

تحقیقات نشان می‌دهند که قاچاق، بخصوص قاچاق مواد مخدر منجر به کاهش امنیت اجتماعی می‌شود. این امر در صورتی است که مواد مخدر یکی از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی در ایران است، شیوع این موضوع به حدی است که «در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی بر میزان ورود مواد مخدر به کشور، تعداد معتادان، تعداد زندانیان، هزینه‌ها و زیان‌های اقتصادی ناشی از ورود، توزیع و مصرف مواد مخدر و گستره جغرافیایی توزیع و مصرف آن افزوده شده است. بنا بر آمار موجود، تعداد زندانیان مواد مخدر در حال حاضر ۴۸ درصد کل زندانیان کشور را تشکیل می‌دهد که با توجه به رقم ۱۵۰۰۰۰ نفری کل زندانیان، قریب ۷۲۰۰۰ نفر آن‌ها را زندانیان مواد مخدر تشکیل می‌دهند (سایت مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری به نقل از یساقی، رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات امنیتی کشور، ۱۳۸۹). بیش از نیمی از زندانیان موجود در زندان‌های ایران را جرایم مرتبط با مواد مخدر تشکیل می‌دهند» (یاروی بافقی، ۱۳۸۹).

با توجه به پژوهش‌ها، قاچاق مواد مخدر، تأثیرات زیر را بر شاخص‌های امنیت اجتماعی داشته است: (یاروی بافقی، ۱۳۸۹)

- قاچاق مواد مخدر بیشترین تأثیر منفی را از طریق افزایش جرایمی نظیر قتل، سرقت و ... بر امنیت اجتماعی و امنیت ملی ایران بر جای می‌گذارد.
- قاچاق مواد مخدر، احساس امنیت شهروندان را به طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- قاچاق مواد مخدر را می‌توان از عوامل عمده ناامنی اجتماعی در ایران دانست.
- قاچاق مواد مخدر، احساس تعلق افراد به جامعه را، تهدید می‌کند.
- قاچاق مواد مخدر، مانعی برای گسترش عدالت اجتماعی در ایران به حساب می‌آید.

«در این راستا، حق پناه (۱۳۷۷) نیز در پژوهشی درصدد یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا قاچاق مواد مخدر تهدیدی برای امنیت ملی کشور هست یا خیر؟ وی بیان می‌کند با توجه

به اینکه قاچاق مواد مخدر دارای ویژگی‌هایی همچون بین‌المللی شدن، فراگیری و تداوم است، پس به عنوان یک تهدید برای امنیت ملی ایران مطرح می‌گردد. نفوذپذیری مرزها، ایجاد شرارت و ناامنی، سرمایه داری سیاسی مخالفان داخلی و خارجی، از جمله مواردی هستند که در این تحقیق به عنوان عوامل مخرب امنیت ملی، برشمرده شده‌اند. بنهری (۱۳۸۳)، نیز در پژوهشی به سابقه دیرینه سو مصرف و قاچاق مواد مخدر در ایران اشاره کرده و عنوان نموده: در حال حاضر با گسترش ابعاد قاچاق و سو مصرف مواد مخدر، امنیت ملی کشور به شدت مورد تهدید قرار گرفته است. وی در این پژوهش از اعتیاد جوانان، فروپاشی خانواده‌ها، تباهی کودکان، کاهش سن اعتیاد، افزایش طلاق‌های ناشی از اعتیاد، افزایش زندانیان مواد مخدر، تردد اتباع بیگانه، ناامنی مرزهای شرقی، درگیری نیروهای نظامی و انتظامی با قاچاقچیان، افزایش بیماری‌هایی نظیر ایدز و افزایش مرگ و میر معتادان به عنوان تهدیدات قاچاق مواد مخدر نام می‌برد» (یاروی بافقی، ۱۳۸۹).

ترویج و افزایش فساد اداری

افزایش میزان ارتکاب قاچاق، به عنوان یکی از مصادیق جرائم اقتصادی و ارتباط آن با پدیده فساد اداری که موجبات تشدید پیامدها و آثار زیانبار آن بر بخش‌های مختلف نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را فراهم آورده است - منجر شده تا در سطح بین‌المللی رویکردهای متعددی نسبت به پیشگیری از فساد اداری اتخاذ شود. فساد اداری که آن را در برابر سلامت اداری به کار می‌برند، بر اساس تعریف سازمان شفافیت عبارت است از استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی اداری، تحت تاثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی (توکلی، ۱۳۸۹). توجه به شاخص‌های زیر می‌تواند در شناسایی و طبقه بندی علل موثر بر بروز قاچاق در نظام اداری راهگشا باشد: (توکلی، ۱۳۸۹)

- ضعف در شایسته سالاری
- توزیع نامتناسب و غیرعادلانه درآمد و تبعیض‌های نا به جا در محیط اداری

- ضعف در ثبات مدیریت‌ها و ایجاد امنیت شغلی برای کارکنان
- وجود اختیارات تعریف نشده برای مدیران
- ضعف در نظام تشویق و تنبیه مناسب اداری جهت بالا بردن انگیزه مثبت و ایجاد بازدارندگی از وقوع جرم
- کندی در مکانیزه کردن امور و نبود سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته جهت کاهش حضور مراجعان و ارتباط مستقیم با کارمندان
- عدم حاکمیت فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای در محیط‌های اداری
- عدم اعمال نظارت کافی بر حسن اجرای قوانین در دستگاه‌های اداری، عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب و بازدارنده در این خصوص و وجود شبکه روابط غیررسمی در سازمان‌ها
- خارج از چارچوب سلسله مراتب اداری تعریف شده در قوانین
- عدم آگاهی مراجعان از حقوق و تکالیف خود
- نارسایی در نظام پرداخت حقوق و پاداش
- با این‌که قوانین بسیاری جهت پیشگیری از فساد اداری و قاچاق وجود دارد، اما در این زمینه هنوز آسیب‌های جدی وجود دارد. قانون مدیریت خدمات کشوری، به عنوان مهم‌ترین نص قانونی سیاست‌جنایی تقنینی ایران، در رابطه با پیشگیری از فساد اداری محورهای عمده‌ای به شرح زیر است: (توکلی، ۱۳۸۹)
- جامعیت
- رعایت ضوابط استخدامی و انتصاب صلح
- کرامت و تکریم مردم
- عدم تمرکز امور
- دولت کوچک کارآ و منطقی شدن اندازه آن
- پویایی ساختار و تشکیلات
- استفاده از فناوری مناسب

- ارتباط کارآیی و عملکرد کارکنان با دریافت حقوق و مزایا
- شفافیت رابطه کارمندان با دولت و تعیین حقوق و مزایا
- ایجاد ارتباط بین نوع استخدام، وظایف و برنامه‌های دستگاه اجرایی
- اهمیت آموزش کارکنان
- نظارت و ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی
- حفظ کلیه حقوق استخدامی کارکنان فعلی دستگاه‌های اجرایی

تأثیر قاچاق بر سرزمین و جمعیت

قاچاق از جنبه جمعیتی آثار گسترده‌ای دارد. در بسیاری موارد کالای قاچاق به سلامت عمومی و فردی آسیب می‌زند و مشکلات فراوان بهداشتی ایجاد می‌کند. افزایش اعتیاد و بالا رفتن شمار معتادان یک تهدید جدی برای ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه است که عملکرد حکومت را به سختی چالش می‌کشد. از جنبه دیگر، ورود کالاهای فرهنگی که اخلاق اجتماعی را هدف قرار می‌دهند، تضعیف پیوندهای اجتماعی و افزایش ناهنجاری اخلاقی را به دنبال دارد که هم برای حکومت مشکل آفرین است و هم اعتماد عمومی به توانایی دولت برای کنترل آن را تردید پذیر می‌کند. از جنبه اقتصادی نیز قاچاق ضربه‌ای اساسی به پیکر تولید داخلی و عاملی در نابودی صنعت و اقتصاد داخلی تلقی می‌شود و اعتبار نهادهای حکومتی برای کنترل اوضاع را نزد طیف وسیعی از تولیدکنندگان و فروشندگان رسمی از میان می‌برد و این به معنای کاهش رضایتمندی از حکومت و افزایش ناامنی است. به طور کلی از دید جمعیت و جامعه قاچاق از زوایای گوناگون کارایی و کارآمدی حکومت را خدشه دار می‌کند و عامل مهمی در کاهش اعتبار حکومت است. هر اندازه اعتبار یک حکومت بیشتر خدشه‌دار شود توانایی آن برای تامین امنیت و مبارزه با ناامنی کمتر می‌شود. از بعد سرزمینی نیز وجود قاچاق به منزله نبود کنترل موثر بر سرزمین و ناتوانی حکومت در حفاظت از مرزهاست، زیرا گروه‌های تبهکار با ایجاد ناامنی در مرزها و بی ثبات کردن آن‌ها به هموارسازی راه قاچاق از مرزها مبادرت می‌کنند. ناتوانی یک حکومت در

کنترل مرزها در برخی موارد منجر به ورود کشور همسایه برای تعقیب باندهای قاچاق به داخل سرزمین می‌شود و این به معنی از دست رفتن امنیت و حاکمیت است (ربیعی، ۱۳۹۲).

۲. تاثیر قاچاق بر ازخودبیگانگی از بعد فرهنگی هویت ایرانی اسلامی

بعد فرهنگی هنجارهای اسلامی ایرانی برآگاهی از آداب و رسوم مطلوب جامعه اسلامی ایران و پایبندی به آن (احترام به بزرگ‌ترها، مهمان نوازی و ...)، آشنایی با هنرهای جامعه اسلامی ایران و آگاهی از مهم‌ترین حوادث و شخصیت‌های تاریخی ایران و اسلام و بازدید از آثار تاریخی و موزه‌های تاریخی تاکید دارد، در صورتی که قاچاق کالا بخصوص در حیطه‌ی قاچاق میراث و آثار فرهنگی منجر به از خودبیگانگی از بعد هویتی و فرهنگی ایرانی اسلامی می‌شود:

غارث هویت فرهنگی

قاچاق اموال فرهنگی تاریخی توسط شبکه‌های قاچاق باعث رونق موزه‌های کشورهای غربی گردیده و این امر باعث می‌گردد تا نسل جوان نتواند با گذشته خود در ارتباط برقرار نماید و با هویت و ارزش‌های گذشتگان خود آشنا شود. نسلی که با فرهنگ و تمدن قبلی خود نتواند پیوند داشته باشد احساس پوچی، بی‌اصالتی و بی‌هویتی می‌نماید و این احساس در تفکر او و حرکتش به سوی آینده موثر می‌افتد (لشنی پارسا، ۱۳۸۷).

اما متأسفانه باز شدن مرزها، افزایش جنگ‌ها، فقر و توسعه بازار هنر از عوامل بیانگر قاچاق آثار فرهنگی است که پس از قاچاق مواد مخدر در زمینه قاچاق، جایگاه دوم را به خود اختصاص می‌دهد. به همین علت بررسی گستره امکانات اجرایی کشورها در مبارزه با این پدیده و ارزیابی کارایی آنها امری ضروری است. همکاری بین‌المللی در مبارزه با این پدیده از اهمیت بسیاری برخوردار است. به دلیل جنگ منافع بین کشورهای صادرکننده و واردکننده آثار فرهنگی و تعدد سیستم‌های قضایی حاکم بر حفظ میراث فرهنگی ملی، تنها همکاری بین دولت‌ها قادر است تدابیر قانونی ملی در این زمینه را افزایش دهد. بعضی از مشکلات به علت عدم توازن و اختلافات موجود در برداشت مفاهیم کلیدی و عدم ابزار مناسب در مبارزه با قاچاق است. احکام قضایی فراملی و تصویب قراردادهای

بین‌المللی همچون کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو و اخیراً کنوانسیون قانون واحد استرداد آثار فرهنگی مسروقه یا صادر شده به صورت غیر قانونی در جهت همگرایی قوانین موثر می‌باشند (زوریان، ۱۳۸۹)

افزایش تبعیض و خشونت‌های قومی و نژادی

یکی دیگر از پیامدهای قاچاق، به‌خصوص قاچاق انسان در هر جامعه‌ای ناهمگونی در بافت انسانی آن جامعه است، به طوری که در هر منطقه‌ای آرایشی از فرادستان و فرودستان جامعه شکل می‌گیرد. افزایش شمار زیادی از مهاجران غیرقانونی و افراد قاچاق شده به یک منطقه باعث افزایش تبعیض، خشونت‌های قومی و نژادی نسبت به اقلیت‌ها می‌شود. این افزایش در تبعیض نسبت به اقلیت‌ها در یک جامعه خود به خود به رواج ناهنجاری‌های رفتاری و تخطی از قوانین جامعه، جرم و جنایت یا بزهکاری از سوی اقلیت در واکنش به رفتارهای تبعیض آمیز اکثریت، افزایش می‌یابد (فروغی، ۱۳۹۰).

افزایش خرده فرهنگ‌های منحرف در جامعه

قاچاق به گسترش خرده فرهنگ‌های منحرف در جامعه نیز کمک می‌کند. این فرهنگ انحرافی، که محصول دسترسی به وسائل ارتباط جمعی جهانی، چون اینترنت، ماهواره و استفاده مداوم از فیلم‌های غیرمجاز نظایر آن است، شخصیت اجتماعی فرد، ارزش‌ها و هنجارهای او را تغییر می‌دهد، به طوری که فرد را در گروه‌های دوستی به سوی تشکیل خرده فرهنگی سوق می‌دهد که با ارزش‌ها و هنجارهای اصلی جامعه، مخالف و یا حتی گاهی در تضاد است. افزایش شاخص‌هایی نظیر سنت‌گریزی، احساس تنهایی، بیگانگی اجتماعی، کاهش گرایش‌های مذهبی و اخلاقی و گرایش به تجمل، نشانه جذب فرد در خرده فرهنگ‌های منحرف می‌باشد، که نهایتاً آسیب‌هایی که این خرده فرهنگ‌های نامتعارف و نامعمول به جامعه می‌رسانند شرایط ایجاد ناامنی، افزایش جرایم و انحرافات اخلاقی و فرهنگی و نظایر آن را در جامعه فراهم می‌کند و سیستم فرهنگی جامعه را در مهار چنین خرده فرهنگ‌های منحرف دچار آسیب می‌سازد (فروغی،

افزایش تهاجم فرهنگی

یکی از انواع قاچاق، وارد کردن ابزارهای تهاجم فرهنگی از قبیل کتب، جراید، بروشورهای منحرف کننده، تصاویر مبتذل، سی دی و دیسکتهای رایانه‌ای، نوارهای ویدئویی و کاست‌های مبتذل و ضد اخلاقی و همچنین انواع اسپری، قرص‌های محرک، آلات و ادوات قمار و مشروبات الکلی می‌باشد. با وارد شدن این اقلام به دور از منظر مامورین مجری قوانین و خانواده، جوانان جامعه در معرض تهدیدهای جدی فرهنگی، اخلاقی قرار می‌گیرند و الگوهای رفتاری و فکری خاصی را به دشمن آنان تلقین می‌نمایند. در اثر استمرار قاچاق این نوع کالاها به تدریج ارزش‌های دینی و ملی جامعه رو به ضعف می‌رود (لشنی پارسا، ۱۳۸۷).

البته نفوذ خرده فرهنگ‌های منحرف با توجه به آزادی‌های وسیع در کشورهای غربی، خیلی گسترده‌تر و تخریب کننده‌تر است، به نحوی که مصلحین اجتماعی را به فکر وادار کرده تا برای مشکلات موجود راهی بیابند. اما در کشوری مثل ایران که مردم به اصول و مبانی دینی و انسانی پایبندتر هستند، این خرده فرهنگ‌های مخرب، به صورت آرام و تدریجی در حال رشد بوده و در صورتی که به حال آن‌ها فکری نشده و جایگزین مناسبی برای آن‌ها پیدا نشود، ظرف چند دهه یا حتی چند سال آینده فراگیر خواهد شد (وطن‌خواه، ۱۳۹۱).

تغییر ارزش‌ها

قاچاق منجر به ایجاد تغییر ارزش‌ها در جامعه می‌شود. برخی از صاحب نظران فقر و بیکاری را عامل قاچاق می‌دانند، ولی فقر به تنهایی عامل انحرافات اجتماعی نیست، بلکه نابرابری و تغییر ارزش است یک جریان تهدیدآمیز است. به عبارت دیگر فقر زمانی تاثیرگذار است که در مقابل آن تصویر یا گفتار یا آرزوهای بلند پروازانه ارائه شوند. هنگامی که ثروت ارزش محسوب می‌شود، بدون در نظر گرفتن اینکه از چه راهی به دست آمده، نظام اجتماعی در معرض خطر



قرار می‌گیرد. از سویی تغییر معیارهای ارزشی نسبت به سال‌های نه چندان دور در اغلب کشورها باعث شده که اخلاقیات از سوی نسل جدید کمتر مورد توجه قرار گیرد (وطن‌خواه، ۱۳۹۱).

یکی از انواع قاچاق که منجر به تغییر ارزش‌ها در جامعه می‌شود، قاچاق مواد مخدر است، قاچاق مواد مخدر تأثیرات زیر را بر ابعاد ارزشی جامعه دارد: (یاروی بافقی، ۱۳۸۹)

- قاچاق مواد مخدر بیشترین تأثیر منفی را بر توسعه انسانی بر جای می‌گذارد.
- قاچاق مواد مخدر، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه را به طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- قاچاق مواد مخدر، با باورهای اسلامی جامعه ایران در تضاد و تقابل است.
- قاچاق مواد مخدر، از پیوند جوانان با فرهنگ ملی - اسلامی ایران می‌کاهد.
- قاچاق مواد مخدر، مانعی برای صیانت از هویت ملی - مذهبی افراد به حساب می‌آید.
- قاچاق مواد مخدر و به تبع آن سوء مصرف این مواد ضمن غیرقانونی بودن، در چارچوب احکام دینی نیز ممنوع بوده و عرف جامعه ایران با آن سازگار نیست.

۳. تأثیر قاچاق بر ازخودبیگانگی از بعد اقتصادی هویت ایرانی اسلامی

در حالی که هنجارهای دینی ملی در بعد اقتصادی بر پایداری جامع و عملی به اخلاق اقتصادی جامعه اسلامی ایران (اعم از قناعت، عدم اسراف، قرض الحسنه و ...) و بایدها و نبایدهای اقتصادی جامعه اسلامی ایران (اعم از عدم کم‌فروشی، عدم رباخواری، عدم احتکار، عدم رشوه‌دهی و رشوه‌گیری، پرداخت خمس و زکات و ...) تأکید می‌کنند، قاچاق کالا از طریق پیامدهایی نظیر ۱. اختلال در اجرای قانون ۲. ایجاد فرهنگ قانون‌گریزی ۳. اختلال در تجارت رسمی ۴. گسترش اقتصاد زیرزمینی ۵. کاهش سطح معیشت و انتقال فشار مالیاتی بر بخش رسمی اقتصاد ۶. فرار مالیاتی ۷. هدر رفتن منابع ملی و کاهش سرمایه‌گذاری ۸. تضعیف تولید ۹. کاهش نرخ رشد اقتصادی ۱۰. کاهش درآمد دولت (حیدری‌فر، ۱۳۹۳) منجر به صدمه دیدن بعد

اقتصادی هویت ایرانی - اسلامی می‌شود.

به طور کلی آسیب‌های قاچاق بر بعد اقتصادی هویت ایرانی - اسلامی به صورت زیر است:
(لشنی پارسا، ۱۳۸۷)

- خروج ارز از کشور برای واردات کالای قاچاق، افزایش تقاضای ارز در بازار غیررسمی را در پی خواهد داشت و افزایش تقاضای ارز به دلیل محدودیت‌های ارزی، کاهش ارزش پول ملی، افزایش تورم و قیمت‌ها را به دنبال خواهد داشت و از طرفی تورم مجدداً منجر به کاهش ارزش پول ملی خواهد شد.
- به علت سودآوری کلان قاچاق در کوتاه مدت، سرمایه‌گذاری در صنایع کشور کاهش یافته که این امر کاهش اشتغال در کشور را در پی خواهد داشت.
- وجود کالاهای متنوع خارجی از نظر کیفیت و قیمت امکان رقابت بعضی از تولیدات داخلی با کالاهای مشابه خارجی که به صورت قاچاق وارد گردیده را کاهش داده که این امر اثرات مخربی بر تولیدات داخلی خواهد داشت.
- گرایش و جهت‌گیری بخشی از نقدینگی جامعه به سمت قاچاق که موجب خروج بخشی از منابع و سرمایه‌ها از بخش تولیدات مولد می‌گردد.
- ورود و خروج ارز به صورت قاچاق توسط عوامل قاچاق باعث می‌گردد تا کنترل و نظارت بر جریان منابع ارزی در کشور با مشکل روبرو گردد.
- بخشی از درآمدهای پیش‌بینی شده در دولت از محل سود بازرگانی و حقوق گمرکی کالاهای وارداتی تحقق پیدا نخواهد کرد.

• اختلال در سیاست‌های دولت در زمینه تبادل تجاری و بازرگانی

در ادامه برخی از پیامدهای قاچاق بر تضعیف بعد اقتصادی ارزش‌های اسلامی - ایرانی

تشریح خواهد شد:

ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی: فردگرایی انحصارطلبانه، تجاری‌سازی، بازارسازی، اقتصاد

مبتنی بر شانس، افزایش رقابت و گسترش سیستم پاسخگویی به سبک بازارهای اقتصادی در

نهادهای فرهنگی از جمله مبانی بسترساز فرهنگ مصرف گرای تحت تاثیر قاچاق است. اما فردگرایی انحصارطلب، زیاده‌خواهی، ایجاد محرومیت برای طبقات کم درآمد، تجمل‌پرستی، کاهش عاملیت انسان، ایجاد رقابت برای کسب ثروت و تبدیل ثروت به معیار ارزش‌گذاری، چالش‌های بنیادینی را ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی ایجاد می‌کند. لذا احیای الگوی مصرف اسلامی، تقویت علوم انسانی و بهره‌گیری از آن برای نقد فرهنگ مصرف‌گرا و همگرایی نهادهای اجتماعی در پرورش هویت اسلامی از جمله راه‌های رهایی از آسیب‌های اقتصادی قاچاق است (محمدی، ۱۳۹۴).

افزایش انحصار و رانت‌خواری: افزایش رانت‌خواری یکی دیگر از پیامدهای قاچاق است که با فرهنگ اقتصاد اسلامی در تناقض بنیادین است. می‌توان گفت شکل‌گیری باندهای مافیایی با در اختیار داشتن کارگاه‌های مجهز در مبدا و مقصد، برخورداری از رفاه مالی، بهره‌گیری از رانت، انحصار و توسل به خشونت در واقع لزوم، از پیامدهای قاچاق کالا است (وطن‌پور، ۱۳۸۷).

تضعیف عزت تولیدی و اقتصادی داخلی: قاچاق و دامپینگ داخلی، اختلال و گسبختگی در تولید داخلی ایجاد می‌کند و هزینه‌های جانبی را افزایش می‌دهد. این هزینه‌ها که متوجه تولیدکنندگان ایرانی است قیمت تمام شده کالا را به میزانی که نتواند با کالاهای وارداتی برابری کند، بالا می‌برد.

می‌توان گفت در اثر قاچاق، برخی از صنایع داخلی مانند کبریت‌سازی، عینک‌سازی، وسایل ارتباطی و مخابراتی، ساعت‌سازی، شکر، ماشین آلات بسته‌بندی، فرش ماشینی و ... که توان کافی برای رقابت با تولیدات ارزان و مشابه خارجی را ندارند با زیان دهی، کاهش تولید، افزایش ریسک، تصمیم برای فروش و حتی تعطیلی روبرو شده‌اند. داده‌ها و اسناد قابل دسترس در ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا به عنوان مهم‌ترین مرکز تخصص در زمینه قاچاق، مستند به گزارش‌ها و آمارهای ارائه شده از سوی بنگاه‌های اقتصادی اعم از صنعتی و کشاورزی و دیگر دست‌اندرکاران و منابع اطلاع‌رسانی نشان دهنده کاهش تولید در بسیاری از محصولات داخلی

مانند پوشاک و منسوجات، دخانیات، لوازم خانگی، لوازم آرایشی، آهن آلات، رایانه و متعلقات، کاشی و سرامیک، لوستر و لامپ، کفش، اسباب بازی، چای، دارو و شیرخشک، وسایل صوتی و تصویری و ... به موازات افزایش واردات اجناس مشابه از طریق قاچاق است (وطن‌پور، ۱۳۸۷)

اما کاهش تولید داخلی ناشی از قاچاق سبب کم شدن رقابت پذیری می‌شود و کشوری که رقابت پذیری در آن کم شود، سهمش از کل صادرات اجناس کم، و به واردات اضافه می‌گردد. کاهش اشتغال در بخش تولید با افزایش جذب نیروی کار در بخش‌های دیگر اقتصادی غیرقابل جبران است. با کاهش بهره‌وری و تنزل اقتصادی، تراز پرداخت‌ها رو به وخامت می‌گذارد و عقب ماندگی صنعتی نسبت به رقبا و بازماندن از توسعه در معیارهای جهانی اتفاق می‌افتد و در نتیجه، پیوستن کشور به سازمان تجارت جهانی با تاخیر مواجه می‌شود، چرا که لازمه ورود به این سازمان افزایش کیفیت و رقابت پذیری کالاهای تولید در مقایسه با اجناس مشابه خارجی و رفع موانع تولید است. در حال حاضر حدود ۱۵۰ کشور جهان به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمده‌اند و ۹۷٫۵ درصد از تجارت دنیا به دست این سازمان در حال اجراست (وطن‌پور، ۱۳۸۷)

طبقاتی شدن جامعه در بعد اقتصادی: مهمترین عامل نابسامانی جوامع امروزی و به وجود آمدن بحران‌های اجتماعی ریشه در نابرابری و تبعیض در سطوح مختلف جامعه دارد، قاچاق کالا علاوه بر آنکه هویت جامعه را به شدت دچار اختلال می‌نماید، شاخص‌های نابرابری در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... را افزایش می‌دهد و عدم تجانس افراد، نوع تقسیمات کار در نظام طبقه‌ای، ارزش‌ها و هنجارهای گروهی مختلفی را بوجود آورده و به ستیز نقش‌های اقتصادی می‌افزاید (لشنی پارسا، ۱۳۸۷).

تضعیف امنیت اقتصادی کشور: قاچاق امنیت اقتصادی کشور را تهدید می‌کند، یکی از عواملی که در این بین سهم زیادی دارد، قاچاق مواد مخدر است. قاچاق مواد مخدر آسیب‌هایی به شرح زیر بر روی امنیت اقتصادی کشور می‌گذارد: (یاروی بافقی، ۱۳۸۹)

• قاچاق مواد مخدر از طریق افزایش هزینه‌های انتظامی و قضایی بیشترین تاثیر منفی را بر

امنیت اقتصادی و امنیت ملی ایران وارد می‌سازد،

- قاچاق مواد مخدر، مانعی برای توسعه مناطق درگیر در پدیده قاچاق مواد مخدر و در واقع مانع توسعه موزون کشور است.
- قاچاق مواد مخدر می‌تواند به معضل بیکاری در جامعه دامن بزند.
- قاچاق مواد مخدر را می‌توان از عامل فقر و فاصله طبقاتی در ایران دانست.
- قاچاق مواد مخدر، امنیت سرمایه‌گذاری در ایران را به مخاطره می‌اندازد و موجبات فرار سرمایه از ایران را فراهم می‌سازد.
- قاچاق باعث ایجاد تورم در جامعه، فساد اداری، هرز رفتن منابع انرژی کشور، تهی شدن منابع انرژی کشور، از بین رفتن و خواب رفتن صنایع محدود داخلی، توقف چرخه خدمات و صنعت و ناوگان‌های حمل و نقل داخل شهری و برون شهری، ایجاد گرانی‌های لحظه‌ای و انواع ناهنجاری‌ها می‌شود و ارکان و عناصر بنیادین نظام اجتماعی را سست می‌کند.

۴. تاثیر قاچاق بر ازخودبیگانگی از بعد سیاسی هویت ایرانی اسلامی

در حالی که هنجاری ایرانی اسلامی در بعد سیاسی بر مرجح دانستن نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی جامعه اسلامی ایران، درک ضرورت وجودی رهبری در جامعه اسلامی ایران (ولایت فقیه)، دارا بودن بینش و بصیرت سیاسی (مانند درک شرایط سیاسی و خارجی و ...)، اعتقاد به مردم‌سالاری دینی، آمادگی برای دفاع از جامعه اسلامی ایران در هر زمان و تحت هر شرایط، جدا ندانستن سیاست از دین (باور به گسترده بودن آموزه‌های دین در زمینه‌های مختلف از جمله سیاست. هم‌چنین، اعتقاد به اینکه سیاست، بستر مهم تحقق احکام دین است)، مشارکت در فعالیت‌های سیاسی جامعه اسلامی ایران از جمله شرکت آگاهانه در انتخابات، پایبندی به قوانین سیاسی جامعه اسلامی ایران (مانند رعایت قوانین، انتخابات، تظاهرات یا راه پیمایی‌ها، حضور در مجلس و ...) تاکید می‌کنند، قاچاق با پیامدهایی نظیر ۱. افزایش ثروت و

قدرت نامشروع ۲. رانت خواری ۳. بی عدالتی ۴. کاهش اعتماد عمومی ۵. تمایل به قانون گریزی ۶. افزایش بی نظمی اقتصادی ۷. تضعیف امنیت اقتصادی ۸. افزایش فاصله طبقاتی ۹. هدر رفتن منابع ملی ۱۰. تضعیف کارآمدی ۱۱. کاهش امید ملی ۱۲. کاهش امنیت ملی، ۱۳. کاهش توان سیاسی کشور (حیدری فر، ۱۳۹۳)، ابعاد سیاسی هویت ایرانی - اسلامی را تضعیف می‌کند. در ادامه برخی از سازوکارهای تاثیر قاچاق بر ارزش‌های سیاسی ایرانی - اسلامی تشریح می‌شود:

برهم خوردن تعادل بازرگانی و سیاسی: قاچاق پدیده‌ای است که بیش و کم تمام کشورهای دنیا با آن مواجه هستند، ولی وسعت و عمق آن در کشورهای در حال توسعه، بیشتر از کشورهای توسعه یافته است، به طوری که در برخی از کشورهای در حال توسعه، قاچاق بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را در برمی‌گیرد (حاجی نژاد، ۱۳۷۹: ۱۵۶). اقتصادهایی که با فراوانی بلا و تعدد قاچاق روبه رو هستند، با بیماری و ناکارآمدی در کنترل مناسبات تولیدی و توزیعی خود مواجه هستند. قاچاق کالا به نظام اطلاعات اقتصادی کشورها آسیب می‌رساند و امکان برنامه ریزی برای رشد بلند مدت را از بین می‌برد. از سوی دیگر، باعث کاهش درآمدهای دولت و به هم خوردن تعادل میان بخش‌های تولیدی، بازرگانی و عرضه کالا می‌شود (قلی‌زاده، ۱۳۹۰).

تضعیف قدرت امنیت ملی: شبکه‌های قاچاق با انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی در بسیاری از حوزه‌های مغایر با منافع ملی کشورها گام برمی‌دارند و سرانجام بر امنیت ملی به ویژه مولفه‌های اقتصادی و سیاسی آن که از عوامل اصلی قدرت در عرصه جهانی هستند، سایه می‌افکنند در کشور ما که استراتژی توسعه اقتصادی هدفی حیاتی قلمداد می‌شود، می‌تواند به عنوان یک تهدید تمام عیار اقتصادی و سیاسی نظام موجود را از دستیابی به این هدف باز داشته و قدرت اقتصادی و سیاسی را به مثابه یکی از ارکان تضمین کننده امنیت همه جانبه و پایدار به ضعف بکشاند (وطن پور، ۱۳۸۷).

با این وصف، امنیت که به عنوان اصل نخستین و بسیار مهم در دوام حکومت‌ها ریشه در

کارایی و کارآمدی نظام حاکم دارد، تضعیف می‌شود و منافع سیاسی کشور به خطر می‌افتد و ممکن است دلایل اقتصادی- تجاری کارایی و کارآمدی اقتصادی- رفاهی حکومت را به چالش کشد. اما این امر به یقین پیامدهای اجتماعی و سیاسی و امنیتی دارد و پیداست که رضایتمندی کلی از حکومت را کاهش می‌دهد. سیستم سیاسی حاکم بر هر کشور، در صورتی می‌تواند بقای کشور را تداوم بخشد که ماموریت‌ها و وظایف خود را به خوبی انجام دهد و انتظارات مردم را برآورده کند. زندگی افراد یک جامعه دربرگیرنده ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که حکومت در هر یک از این ابعاد، وظایفی را بر عهده دارد. ناتوانی حکومت در انجام وظایف خود مشکلات مختلفی را ایجاد می‌کند که یکی از آنها قاچاق است. می‌توان گفت قاچاق در ناکارآمدی نظام حاکم برای اجرای قوانین و مقررات و نظارت و کنترل کافی بر فرایندهای اجرایی ریشه دارد. اجرا نشدن قوانین و مقررات و نداشتن نظارت و کنترل ممکن است خود پیامد رضایتمندی اندک از نظام حاکم و ضعف و سستی حکومت باشد. به عبارتی، قاچاق می‌تواند حاصل یک حکومت ضعیف با قوانین و مجریان ناتوان باشد. در عین حال پیامدهای قاچاق نیز ابعاد مختلف زندگی فردی و جمعی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و منجر به کاهش اعتبار و کارایی و افزایش ناکارآمدی و ناامنی حکومت می‌شود که طبیعتاً منجر به انجام ندادن وظایف و مسئولیت‌های حکومت و برآورده نشده انتظارات مردم می‌شود و این مساله نارضایتی عمومی و کاهش مشروعیت حکومت را به دنبال دارد (زیبعی، ۱۳۹۲).

یکی از انواع قاچاق که منجر به تضعیف بعد سیاسی امنیت ملی می‌شود، قاچاق مواد مخدر است: (یاروی بافقی، ۱۳۸۹)

- قاچاق مواد مخدر بر اعتبار سیاسی کشور در منطقه و نظام بین الملل، بیشترین تاثیر منفی را داراست.
- قاچاق مواد مخدر، از طریق ناامن ساختن مناطق مرزی، بر حاکمیت و استقلال سیاسی کشور اثر سو می‌گذارد.
- قاچاق مواد مخدر می‌تواند به مشروعیت نظام سیاسی در ایران لطمه وارد سازد.

• قاچاق مواد مخدر، می‌تواند انعطاف‌پذیری نظام سیاسی در برابر تحولات و شرایط متغیر جهانی کاهش دهد.

• قاچاق مواد مخدر به انسجام و وحدت ملی در ایران صدمه وارد می‌کند.

کاهش حس تعلق خاطر و ملی‌گرایی: یکی از پیامدهای قاچاق تضعیف حس ملی‌گرایی است، ملی‌گرایی نوعی آگاهی جمعی است که پدیدآورنده حس وفاداری، شور، و دلبستگی افراد به عناصر تشکیل‌دهنده ملت (نژاد، زبان، سنت‌ها و عادات، ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگ) است. پیروی از باورها و ارزش‌ها و عادات فرهنگی تا زمانی که باعث رضایت مردم گردند، ادامه می‌یابد. و در صورت عدم رضایت، تغییر می‌کنند. اما ملی‌گرایی فراگیر در بین شهروندان یک کشور بستر مصرف و دلبستگی و تعلق به کالای داخلی را نیز افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر هر اندازه ملی‌گرایی در بین شهروندان یک کشور قوی‌تر باشد، شهروندان آن کشور تولیدات داخلی را نیز به عنوان یک ارزش و افتخار ملی مورد توجه قرار می‌دهند. از اینرو ملی‌گرایی و تبلیغ آن از سوی دولت و یا تقویت آن از سوی نهادهای فرهنگی سیاسی نقش‌آفرین در مصرف کالای داخلی بین شهروندان یک کشور تاثیرگذار است و شهروندان، کالای خارجی بخصوص از نوع قاچاق آن را به دیده افتخار نمی‌نگرند (رومینا، ۱۳۹۳)، اما نکته این‌جاست که افزایش قاچاق نیز، منجر به کاهش حس ملی‌گرایی و قدرت سیاسی در جامعه می‌شود.

بی‌اعتبار شدن قانون و قانون‌گذاری در کشور: یکی دیگر از پیامدهای سیاسی قاچاق، بی‌اعتبار شدن نظام قانون‌گذاری در کشور است. باید گفت هرچه پدیده قاچاق همگانی‌تر باشد، بیشتر به بی‌اعتبار شدن قوانین و نهادهای کنترلی منجر می‌شود و این مساله بی‌اعتمادی متقابل مردم را به همراه می‌آورد. در واقع قاچاق به عنوان یکی از مظاهر فساد، زنجیره‌ای از معضلات را پدید می‌آورد که در نهایت، کارآمدی حکومت را به چالش می‌کشد. وجود فساد در نهادهای اجرای قانون (مانند پلیس، گمرک، نیروهای نظامی و مرزبانان) و همکاری آن‌ها با قاچاقچیان، موجب تبدیل به یکی از منابع درآمدزا در غیاب منابع اقتصادی درست می‌شود که ترکیب آن با

حقوق اندکی کارمندان رده پایین مجری قانون و در نتیجه قرار گرفتن آنها در معرض فساد و مشارکت آنان در این امر بی ثباتی شدید را به دنبال می‌آورد. بی ثبات شدن ساختارهای دولتی به دلیل نفوذ گروه‌های تبهکار در نهادهای دولتی بر کل ساختارها و فرآیندهای سیاسی اثر می‌گذارد و این فرصت را برای این گروه‌ها فراهم می‌کند تا خود را از اقدام‌هایی که ممکن است موقعیت آنها را تضعیف کند، یا به خطر اندازد در امان نگه دارند. درست است که کارمندان دارای حقوق کم در گمرک و پلیس در معرض فساد قرار دارند، اما آنچه در این زمینه زنگ خطری جدی‌تر به حساب می‌آید، ورود مقامات بالاتر دولتی در قاچاق و فساد است که آثار متعددی را دربردارد: افزایش حمایت از گروه‌های سازمان یافته مجرمان و در نتیجه دشوار شدن مبارزه با آنها یا تخصیص نیافتن منابع به چنین مبارزهای و در نتیجه ناکارآمدن شدن دولت، از آسیب‌های جدی قاچاق به ارزش‌های سیاسی ایرانی - اسلامی در کشور است (ربیعی، ۱۳۹۲).

۵. تاثیر قاچاق بر ازخودبیگانگی از بعد دینی هویت ایرانی اسلامی

در حالی که ارزش‌های ایرانی اسلامی بر تلاش برای یادگیری جوانب مختلف اسلام (جوانب اعتقادی، احکام و اخلاق)، باور درونی به دین اسلام و پایبندی جامع و عملی به بایدها و نبایدهای دین اسلام، قناعت و تلاش برای روزی حلال تاکید می‌کند، قاچاق کالا با ترویج روحیه‌ی زیاده خواهی، عدم رعایت کرامت انسانی، فساد اخلاقی، حرام خواری و... ارزش‌های ایرانی اسلامی را تهدید می‌کند.

از میان انواع قاچاق، قاچاق انسان (زنان، کودکان و اعضای بدن) امری است که بیشترین تهدیدها را برای حفظ کرامت انسانی و اخلاق در جامعه در پی دارد. در ادامه این موضوع تشریح خواهد شد:

تعریف پروتکل کنواسیون پالمو از قاچاق انسان، که در مورد اقبال سایر سازمان‌های بین المللی قرار گرفته، عبارت است از: قاچاق انسان یعنی استخدام، حمل و نقل، انتقال، نگهداری یا دریافت افراد، به وسیله تهدید یا استفاده از زور یا سایر اشکال اجبار، ربودن، فریب، اغفال، سو استفاده از

قدرت یا موقعیتی آسیب پذیر که قربانی دچار آن است (خرمی، ۱۳۹۳).

همچنین طبق ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳، قاچاق انسان عبارتست از:
(عالی پور، ۱۳۸۸)

الف) خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج؛

ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.

ماده ۲ قانون فوق برخی رفتارها را در حکم قاچاق انسان دانسته که عبارتند از: (عالی پور، ۱۳۸۸)

الف) تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد.

ب) عبور دادن (خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به طور سازمان یافته برای فحشاء یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون هر چند با رضایت آنان باشد.

ج) عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشاء هر چند با رضایت آنان باشد.

در زمینه‌ی قاچاق انسان باید گفت که در دو دهه‌ی اخیر تغییرات چشم‌گیری در اشکال مختلف قاچاق انسان به وجود آمده است. اما این امر، پدیده‌ای جدید و تازه برای یک کشور خاص نیست، بلکه پدیده‌ای جهانی و حقیقتی غیرقابل انکار در بسیاری از کشورهاست. قربانیان این جرم مردان و زنان و کودکانی هستند که مورد بهره‌کشی و سوءاستفاده قرار می‌گیرند. برآوردها بیانگر آن است که حداقل ۱۲ میلیون نفر (در جهان) در وضعیت کار اجباری گرفتارند و حدود یک پنجم این افراد در نتیجه‌ی قاچاق انسان، به استمارکشیده شده‌اند. این شکل از بردگی مدرن،

از پرمفعت‌ترین و غیرانسانی‌ترین تجارت‌های دنیا است که به لحاظ درآمد بالا برای جرایم سازمان‌دهی شده، سریع‌ترین میزان رشد را دارد و یکی از مهم‌ترین جرایم روزافزون بین‌المللی است؛ زیرا قاچاق چیان انسان در ازای دریافت مبالغ هنگفت، به واردکردن افراد به کشورهای دیگر اقدام می‌کنند که این افراد تبعه یا مقیم دائمی آن کشور محسوب نمی‌شوند. سازمان‌های قاچاق انسان، مردم را به طمع پیدا کردن کار خوب با درآمد عالی در خارج از کشور از طریق تبلیغات در روزنامه، اینترنت، یا آژانس‌های استخدامی جذب می‌کنند تا بتوانند زمینه‌ی قاچاق قربانیان را فراهم سازند (بیابانی، ۱۳۹۱).

اما نکته مهم در این زمینه این است که قاچاق انسان زمینه ساز دیگر فعالیت‌های مجرمانه در جامعه است. قاچاق انسان برای شیوع دیگر فعالیت‌ها و اعمال مجرمانه در جامعه زمینه‌سازی می‌کند. شبکه‌هایی که آدم‌ها را مبادله و قاچاق می‌کنند همانند خود قربانیان با دیگر فعالیت‌های مجرمانه مرتبط می‌شوند. از طرف دیگر گروه‌های جنایی درگیر در قاچاق و مبادله فقط قربانی‌شان را مجبور به ورود به فحشا نمی‌کنند، بلکه آن‌ها، قربانی‌شان را به فروش مواد، گدایی سازماندهی شده و جیب‌بری نیز سوق می‌دهند (فروغی، ۱۳۹۰). لذا دولت‌ها درصدد هستند که قاچاق را در ابعاد بزرگ‌تری بررسی کنند، که شامل مشکل مهاجرت، فقر، تبعیض و خشونت جنسی می‌باشد (چانگ، ۱۳۹۰).

اما قاچاق انسان و قاچاق زنان، تضعیف ارزش‌های دین اسلام را در کشور در پی دارد، زیرا دلیل مخالفت آموزه‌های اسلامی با قاچاق زنان برای فحشا، مغایرت آن با کرامت و حرمت انسانی است. در عمل موارد زیادی است از قاچاق زنان با کالانگاری انسان و استفاده ابزاری از وی همچون شیئی و نادیده گرفتن کرامت انسانی او همراه است. این امر در صورتی است که تعالیم اسلامی از پدیده برده داری که در تار و پود جامعه آن زمان ریشه دوانیده بود، هرگز استقبال نکرد، زیرا این پدیده نیز بر ایده کالانگاری انسان مبتنی است. اهمیت مبارزه با برده‌داری به حدی بود که پیامبر(ص) در عمل به مردم اعلام می‌کردند که منتظر لغو فرمان بردگی از سوی خداوند است. اسلام همچنین خرید و فروش انسان آزاد که به معنای فروکاستن انسان به کالا،

مال و رفتار سوداگرایانه با اوست، را به شدت نکوهش می‌کند. زیرا از نظر دین اسلام، با فرد انسانی به مثاله کالا رفتار کردن، در هر حال قبیح است، خواه این کار برای مقتصد پست اقتصادی و بهره‌کشی باشد یا برای فحشا. لذا رضایت فردی که کرامت انسانی او از طریق رفتار شیئی انگاری نقض می‌شود، در زدودن قبح آن تأثیری ندارد، زیرا اگرچه به مقتضای قاعده سلطه انسان‌ها بر مال و تن خویش مسلطند، اما قاعده سلطه، مشروع نیست تا عمل حرام را حلال کند، ضمن اینکه تجویز چنین اقدام‌هایی به استناد قاعده سلطه، در واقع نفی سلطه انسان بر شان خویش است. اسلام با اعطای حق سلطه به انسان‌ها خواسته است تا آنان از این سلطه که بنا بر تفسیری قوام هویت و کرامت اوست، برخوردار باشند، نه اینکه بر از دست دادن آن مسلط نشوند، به دیگر سخن، حق انسان نسبت به سلطه بر خویش از حقوق غیر قابل اعراض است، زیرا مفاد قاعده سلطه را نباید چنان تفسیر کرد که لغو و بی اثر و یا متضمن معنای خود باشد (نوبهار، ۱۳۸۵).

در واقع از بررسی ادله قرآنی و روایی و به استناد قواعد فقهی روشن می‌شود که قاچاق انسان از لحاظ فقهی حرام بوده و از جرایمی است که شرع مقدس بر آن حساسیت ویژه‌ای مبذول داشته است. از احکام روشن فقهی در این زمینه می‌توان به اطلاق عناوین قوادی و مفسد فی الارض اشاره کرد. از لحاظ حقوقی نیز قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است (فهرستی، ۱۳۸۶).

اما باید خاطر نشان کرد که با آنکه قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ در مجموع اقدامی مناسب ارزیابی می‌شود، اما از شفافیت و روانی کافی برخوردار نیست. به موجب این قانون، قاضی نخست باید تعیین کند که آیا قاچاق انسان مصداق یکی از عناوین مذکور در قانون مجازات اسلامی است یا نه، تنها در صورت عدم صدق یکی از عناوین مجرمانه مذکور در آن قانون، قاضی می‌تواند مجازات‌های مذکور در قانون مبارزه با قاچاق انسان را اعمال کند. با توجه به ابهام و کلیتی که در تعریف قوادی — آن گونه که در قوانین کنونی منعکس شده — وجود دارد چنانچه قاضی بخواهد به متون قانونی پایبند باشد، بعید است بتوان مصادیقی از قاچاق انسان را یافت که مشمول

قوادی نباشد، بدین سان، در عمل قانون مبارزه با قاچاق انسان تنها در موارد اندکی قابل اعمال خواهد بود. البته تعریزی بودن جرم قوادی و حد نبودن عنوان افساد فی الارض — جدای از محاربه — و عدم امکان تعمیم به محاربه و افساد فی الارض به جرم قاچاق زنان این مشکل را بر طرف می‌سازد (نوبهار، ۱۳۸۵).

از سوی دیگر در این قانون میزان مجازات تعیین شده برای این جرم، با توجه به ماهیت این جرم به هیچ وجه عامل بازدارنده‌ی این مرتکبین بالقوه نخواهد بود. همچنین تهמידات و تدابیر ویژه‌ای برای حمایت از حقوق بزه دیدگان شده محدود می‌شود به تشدید بزه‌کارانی که افراد زیر ۱۸ سال را آماج اهداف خود قرار می‌دهند که در این راستا هم بر خلاف مصوبات بین المللی در این خصوص از زنان به عنوان قربانیان بالقوه آسیب پذیرتر هیچ حمایت ویژه‌ای به عمل نیامده است و خلا آن با توجه به ماهیت جرم و اینکه این عمل مجرمانه اغلب با هدف بهره‌کشی جنسی از زنان است به شدت در این قانون احساس می‌شود. در نهایت باید گفت در سیاست کیفری ایران برای مقابله با قاچاق انسان، تعقیب مرتکبین جرم تنها راهبردی است که فارغ از راهبردهای موثر دیگر همچون حمایت از قربانیان جرم، پیگیری شده و بدیهی است که توجه و تعمق بیشتر در آموزه‌های اسلامی و انسانی، بازنگری و اصلاح رویکرد مزبور را موجه سازد (جوان جعفری، ۱۳۹۱).

بحث و جمع‌بندی

همان‌طور که در بالا اشاره شد، پدیده‌ی قاچاق در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و دینی منجر به تضعیف فرهنگ، هویت و ارزش‌های ایرانی — اسلامی می‌شود، لذا قاچاق را نباید صرفاً به پیامدها و آسیب‌های اقتصادی تقلیل داد، چرا که آسیب‌های فرهنگی و ارزشی قاچاق نیز بسیار هنگفت و تهدید آمیز است.

در مبحث سیاست‌گذاری مبارزه با قاچاق، علاوه بر مباحث قانون‌گذاری، می‌بایست در زمینه آگاه‌سازی مردم نسبت به آسیب‌های قاچاق به کشور و دین تمرکز کرد. زیرا از دیدگاه روانشناسی، عمل قاچاق به عنوان یک رفتار غلط، زائیده یادگیری اشتباه و نادرست می‌باشد و در

شرایط خاص به علت ایجاد انگیزه در فرد ایجاد شده و فرد را راغب به انجام عمل اشتباه می‌کند. این عمل با سودآوری مالی و فایده‌مندی برای شخص، نقش تقویت‌کننده را ایفا می‌کند و در نتیجه این عمل در فرد درونی شده و جز رفتارهای عادی و معمولی شخص درآمده و زشتی آن را به کار شایسته و درست تبدیل می‌کند. برای مثال نتایج مطالعات نشان می‌دهد که برای جمعیت ساحل نشین (هرمزگان) آنچه را دولت قاچاق می‌خواند، عملی مشروع و رزقی کاملاً حلال و پسندیده است. از سوی دیگر، به دلیل گسترش این پدیده بین بندرها بویژه دستگیری، محکومیت و زندانی شدن بخش بزرگی از شهروندان هرمزگان به جرم قاچاق، قبح اجتماعی این جرم از بین رفته است (لقمان‌نیا، ۱۳۸۷).

در زمینه قانون‌گذاری نیز موانعی جهت مبارزه با قاچاق وجود دارد. نقصان‌های قانونی در این زمینه عبارتند از: (لشنی پارسا، ۱۳۸۷)

- قوانین و مقررات (دست و پاگیر، غیرشفاف و متغیر و ...) تجاری، گمرکی، ارزی در کشور
- پرهزینه و زمان بر بودن سیستم رسمی واردات و صادرات کالا در کشور
- وجود برخی انحصارات دولتی و نهادها در نظام صادرات و واردات
- سقف بالای تعرفه گمرکی بعضی کالاها و وارداتی
- ناکارآمدی قوانین سیستم حمل و نقل کالا در کشور

البته لازم به ذکر است که صرف تغییر قوانین نمی‌تواند معضل قاچاق را حل کند، زیرا همان‌طور که تحقیقات تجربی نشان می‌دهد، نیروی انتظامی و وضع قوانین توان و نیروی لازم برای مبارزه با پدیده قاچاق را ندارد و اساساً پدیده قاچاق بسیار ریشه‌دارتر از آن است که بتوان با برخورد قهری و انتظامی آن را از بین برد و نیازمند اصلاحات ساختاری در کلان اقتصاد کشور است (مستجابی سرهنگی، ۱۳۹۳) در این زمینه برخی پیشنهادات رفع موانع از این قرارداد: (حیدری‌فر، ۱۳۹۳)

- افزایش حقوق و دستمزد ماموران گمرکی و کارکنان نیروی انتظامی به ویژه در نواحی مرزی

- اطلاع رسانی عمومی و بیان مضرات قاچاق بر اقتصاد کشور و شرح پیامدهای آن در بیکاری جوانان و وابستگی کشور به بیگانگان از طریق جراید، نشریه‌ها، صدا و سیما و غیره
- اقدام در تثبیت قیمتی تفاوت ارزش ریال با ارزهای معتبر دنیا و جلوگیری از دلالی و ایجاد بازار سیاه و خروج بی رویه ارز به خارج از کشور
- ممانعت از ورود کالای مکشوفه به بازار از طریق انهدام آن‌ها و یا اعمال سیاست‌های خاص در این زمینه
- جلوگیری از افزایش تعرفه‌های وارداتی و تشویق سرمایه گذاری در امر تولید
- کاهش نرخ بیکاری، توجه به وضع معاش و فقر مردم در مناطق مرزنشین
- تغییر الگوی مصرف و ترغیب مردم به مصرف تولیدهای داخلی با انجام نوآوری در کیفیت کالاهای تولید
- تجهیز نیروهای مرزبانی به تجهیزات الکترونیکی پیشرفته به منظور نظارت بر نواحی مرزی و ارتقای سطح آموزش و آگاهی کارکنان مرزبانی و راه اندازی دسته‌های مبارزه با قاچاق در هنگ‌های مرزی
- استقرار گمرک و تعزیرات حکومتی در ایستگاه‌های ایست و بازرسی
- توجه به بخش صنایع دستی، دامپروری و کشاورزی در استان
- گسترش بازارچه‌های مرزی
- حذف قوانین دست و پاگیر در صادرات
- اعطای تسهیلات (وام) در شغل‌های واردات و صادرات
- در زمینه تدابیر محبت قاچاق فرهنگی نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (زواریان، ۱۳۸۹)
- اصلاح قوانین مربوط به حفظ و مدیریت میراث فرهنگی
- ارزیابی آثار بازدارنده مجازات کیفری مربوط به قاچاق و بررسی بازنگری تدابیر و مفاد کیفری

- همراه کردن مجازات کیفری با تدابیر آموزشی به منظور پیشگیری از قاچاق آثار فرهنگی
- تشدید مجازات سرقت آثار فرهنگی
- تشدید تعهدات موزه‌ها و سایر موسسات مشابه (ممنوعیت خرید آثاری که به طور غیرقانونی وارد شده و میراث کشور دیگر محسوب می‌شود).
- نظارت بر اجرای قوانین کنواسیون‌های بین‌المللی



منابع

۱. بیابانی، غلامحسین (۱۳۹۱)، قاچاق انسان، جرم روزافزون بین‌المللی، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، ۲ (۱۰): ۶۲-۷۳.
۲. پژوهان، جمشید (۱۳۸۵)، بررسی اقتصادی قاچاق در ایران، پژوهشنامه اقتصادی؛ ۲۰: ۴۳-۷۰.
۳. توکلی، کیان‌دخت (۱۳۸۹)، نظام اداری و قاچاق کالا، از علت‌شناسی تا راهکارهای پیشگیرانه، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۵ (۱۴): ۱۵۹-۱۸۲.
۴. جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۹۱)، زمینه‌های تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان و سیاست کیفری در فبال این جرم، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، ۴ (۱۳): ۳۹-۷۰.
۵. چانگ، جانی (۱۳۹۰)، پیشگیری از قاچاق انسان در اقتصاد جهانی، ترجمه محمد رحمتی، تعالی حقوق، ۴ (۱۳): ۲۱۵-۲۲۵.
۶. حیدری‌فر، محمد رئوف (۱۳۹۳)، بررسی آثار و پیامدهای امنیتی قاچاق کالا، فصل‌نامه راهبرد دفاعی، سال دوازدهم، ۴۸: ۱۵۳-۱۹۴.
۷. خرمی، مصطفی (۱۳۹۳)، بررسی تدبیرهای سازمان همکاری اقتصادی (اگو) برای مقابله با قاچاق انسان به عنوان یک موضوع جهانی، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۷ (۲): ۲۹۱-۳۱۸.
۸. ربیعی، حسین (۱۳۹۲)، تبیین نقش منفی پدیده قاچاق در امنیت ملی و رضایتمندی عمومی، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۱ (۱): ۱۱۴-۱۳۷.
۹. رستم‌گورانی، ابراهیم (۱۳۹۲)، بررسی جایگاه مناطق آزاد تجاری جزیره قشم در توسعه پایدار و امنیت اجتماعی، دو فصل‌نامه علمی پژوهشی آمایش سرزمین، ۵ (۱): ۲۷-۴۹.
۱۰. رومینا، ابراهیم (۱۳۹۳)، تبیین نظری قاچاق کالای ورودی و مدیریت آن در کشورها، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، ۱۰ (۱): ۸۳-۱۰۵.
۱۱. زواریان، معصومه (۱۳۸۹)، چالش‌های مبارزه با قاچاق میراث و آثار فرهنگی، فصل‌نامه مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱ (۴): ۹۳-۱۰۵.
۱۲. سبجانی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۲)، چارچوب مفهومی هویت اسلامی — ایرانی و ملاحظات عملی تعمیق آن در نظام دانشگاهی، فرهنگ در اندیشه اسلامی، ۳ (۳): ۴۱۳-۴۳۶.
۱۳. عالی‌پور، حسن (۱۳۸۸)، قاچاق زنان بزه‌ی بر ضد کرامت زنان، مطالعات راهبردی زنان، ۴۵: ۴۵.

۱۴. غلامحسین بیابانی، سرهنگ (۱۳۹۰)، قاچاق کالا، ابعاد آشکار و پنهان آن، نشریه دانشکده علوم انتظامی، ۴ (۱۵): ۱۲۵-۱۵۷.
۱۵. فروغی، یاسر (۱۳۹۰)، قاچاق انسان یا برده‌داری مدرن؛ علل و آسیب، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، ۲ (۶): ۱۰۰-۱۲۹.
۱۶. فهرستی، زهرا (۱۳۸۶)، تجارت زنان و کودکان از دیدگاه فقهای شیعه و بررسی علل و اهداف آن، فصلنامه بانوان شیعه، ۴ (۱۳): ۴۳-۷۷.
۱۷. قلی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۰)، علل و پیامدهای قاچاق کالا در ایران پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۲ (۴): ۱۰۹-۱۴۲.
۱۸. قیومی، عباسعلی (۱۳۹۱)، سنجش وضعیت مولفه‌های هویت ایرانی — اسلامی در میان دانشجویان و ارائه راهکارهای مدیریتی جهت ارتقا آن، مجله مدیریت فرهنگی، ۶ (۱۸): ۲۳-۴۸.
۱۹. لشنی پارسا، روح‌الله (۱۳۸۷)، چالش‌ها و چشم‌اندازهای قاچاق کالا، دوماه نامه توسعه انسانی پلیس، ۵ (۱۸): ۹۱-۱۱۸.
۲۰. لقمان‌نیا، مهدی (۱۳۸۷)، علل قاچاق کالا؛ تلاش برای ایجاد فرهنگ مقابله با قاچاق کالا، مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ۹: ۱۵۶-۱۶۸.
۲۱. محمدی، حمدالله (۱۳۹۴)، تاملی بر چالش‌های تربیت مبتنی بر هویت ایرانی — اسلامی در مواجهه با فرهنگ مصرف‌گرا و نو لیبرالیسم، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۶ (۱): ۲۵-۴۴.
۲۲. مستجابی سرهنگی، حمید (۱۳۹۳)، قاچاق کالا در مرزهای دریایی استان هرمزگان و تاثیر آن در امنیتی منطقه، فصلنامه انتظام اجتماعی، ۶ (۱): ۱۰۴-۱۲۴.
۲۳. میرحیدری، مریم (۱۳۹۳)، ارزیابی مولفه‌های هویت ایرانی — اسلامی و انقلابی در وبسایت‌های دانشگاه‌های دولتی تهران، فرهنگ در اندیشه اسلامی، ۴ (۲): ۱۷۹-۱۹۸.
۲۴. نوبهار، رحیم (۱۳۸۵)، قاچاق زنان برای روسپگری از منظر آموزه‌های اسلام با نگاه به مقررات بین‌المللی و حقوق ایران، مدرس علوم انسانی، ۱۰ (۳): ۱۸۷-۲۲۰.
۲۵. وطن‌خواه، حمید (۱۳۹۱)، بررسی نقش پلیس در پیشگیری و مقابله با قاچاق زنان و دختران، پلیس زن ۱۶: ۶-۳۳.

۲۶. وطن‌پور، علیرضا (۱۳۸۷)، قاچاق کالا و تاثیر آن بر اقتصاد ملی، بررسی‌های بازرگانی، ۲۷: ۶-
۲۴.

۲۷. یآوری، بافقی (۱۳۸۹)، امنیت تعیین تاثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی
ایران، پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۵(۴): ۵۸۵-۶۰۷۰.

